

چستی منظر شهری در آرای صاحب نظران

معمول میان عناصر محیطی و از آن طریق منظر شهری مطلوب است. بررسی اثرات بصری که یک شهر می‌تواند بر روی مردمی که در آن زندگی و یا از آن دیدن می‌کنند، داشته باشد مورد تاکید وی است و چنین فرضیه‌ای را درباره اجتماع ساختمان‌ها نیز صادق می‌داند.

سید امیر سعید محمودی

«محمودی» منظر شهری را واقعیتی عینی می‌داند که در مشاهده هر فرد به دیده می‌آید: «به عبارت دیگر منظر شهری توصیفی است از واقعیت موجود کالبد یک شهر که این توصیف، فارغ از تصویری است که بواسطه تجربیات فرد مشاهده‌کننده در ذهن او نقش می‌بندد.» (محمودی، ۱۳۸۵: ۵۸) در نگاه وی اگرچه منظر شهری واقعیتی سه‌بعدی است، اما در موقعیتی خاص، منظر شهری ویژگی‌های دوبعدی پیدا می‌کند (مانند خط آسمان) که در این حالت عوامل سازنده منظر، سطح، صفحه، خط و نقطه خواهد بود.

جهانشاه پاکزاد

«پاکزاد» در مقاله‌ای تحت عنوان «سیمای شهر، آن چه کوبین لینچ از آن می‌فهمید» به بررسی و نقد مفهوم مفهوم «Image» در کتاب لینچ می‌پردازد. وی در این مقاله می‌نویسد: «باید گفت که منظور کوبین لینچ از «Image»، منظر، یا آن چه که به چشم آید، نبوده، بلکه تصویر ذهنی‌ای است که از یک منظر عینی در ذهن ایجاد می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲۵). در نگاه وی منظر، چیزی است عینی و منظر ذهنی معنایی نخواهد داشت جز چیزی که به چشم آید ولی به چشم دل (همان: ۲۱). در واقع پاکزاد نگاه منظرین به شهر ندارد اما مفهوم تصویر ذهنی برای وی بسیار مهم است. به گونه‌ای که در طراحی شهری مرکز شهر بابلسر، بررسی تصویر ذهنی مردم از شهر را به‌عنوان گام اول تبیین می‌کند.

کامران ذکاوت

«ذکاوت» برخلاف بسیاری از نظریه‌پردازان در حوزه شهر، واژه «View» را معادل منظر تصور می‌کند (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۳۷) و آن را حوزه قابل رویت از یک نقطه، یک مسیر و مکان ویژه می‌داند. ذکاوت برای کنترل منظر شهر، چک لیست‌هایی را ارائه می‌دهد که همه آن‌ها حاوی پرسش‌های متعددی از کالبد شهر است و در قالب عناوین کلی پروقیل منظر گسترده، کریدورهای بصری، دروازه‌های بصری به

منظر، دیدگاهی جدید در ارتباط انسان و محیط است که به تفسیر فضا می‌پردازد و گرایش‌های مختلف آن در جوامع پیشرفته به سرعت در حال گسترش است. نگاه منظر به فضاهای بیرونی، ناشی از پایگاه فلسفی و دکترا حاصل از شکستن نگاه کلاسیک علمی به انسان و هستی



محمد آتشین بار
پژوهشگر دکترا معماری

است. از طرف دیگر برای ارتقاء کیفیت شهر، تخصص‌های مختلفی در این حوزه، دخیل هستند و تصور اکثریت آن‌ها بر پایه جهان دوقطبی دکارت بنا شده است. این امر موجب می‌شود که برای دخالت در شهر تنها ابعاد کالبدی آن در نظر گرفته شود و از جنبه‌های اجتماعی و معنایی آن غفلت شود. نظریه منظر که این جهان دوقطبی را درهم می‌شکند، از دریچه‌ای دیگر به شهر نگریده و آن را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی‌پندارد که تنها در ابعاد مورفولوژیک معنا شود، بلکه شهر را موجودی پویا و در حال حرکت می‌بیند که تغییر می‌کند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می‌دهد. در جامعه امروز ایران، نه تنها جایگاه منظر شهری در اسناد توسعه و راهبردی شهر مشخص نیست، بلکه بانوعی سطحی‌نگری نیز مواجه شده است. سطحی‌نگری که آن را تا حد یک مفهوم خرد و کوچک تقلیل می‌دهد و تنها به اقدامات عملیاتی-اجرایی در سطح تکنیک می‌پردازد. این نوشته قصد دارد با مرور نظریه‌های صاحب‌نظران معاصر که اکثرًا متأثر از لینچ، بیکن و کالن هستند، نشان دهد که فهم ناقص از منظر شهری در حوزه‌های علمی و تخصصی تنها به اقدامات کالبدی صرف در شهر می‌انجامد. در حالی که شهر در نگاه امروز، تنها در کالبد خلاصه نمی‌شود بلکه روحی را درون خود در جریان دارد که هم‌زمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است.

کوبین لینچ

در نگاه «لینچ» شهر مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد بر می‌افزاید، با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان شکل خود را می‌یابد (لینچ، ۱۳۸۷: ۹). با این نگاه لینچ به دنبال پیدا کردن فرم خوب شهر، کیفیت بصری در شهر را مد نظر قرار می‌دهد و خوانایی محیط را بررسی می‌کند و برای دریافت آن، به دنبال کشف تصاویر ذهنی شهروندان از شهر است؛ تصاویری که تنها به شرح کیفیت کالبدی و بصری محیط خواهد پرداخت.

گوردن کالن

وی با تأکید بر اثرات حسی که منظر می‌تواند بر ساکنین و بازدیدکنندگان شهری داشته باشد، خواستار ایجاد لذت بصری در مقیاس شهر می‌شود. کالن منظر شهری را به چشم اندازه‌های بزرگ کلان شهر، پارک، حوزه‌های صنعتی، اراضی مصنوعی و طبیعت وحشی تقسیم می‌کند و با تأکید بر هنر «تناسبات» به دنبال برقراری نظمی

برای ارتقاء کیفیت شهر، تخصص‌های مختلفی در این حوزه، دخیل هستند و تصور اکثریت آن‌ها بر پایه جهان دوقطبی دکارت بنا شده است. این امر موجب می‌شود که برای دخالت در شهر تنها ابعاد کالبدی آن در نظر گرفته شود و

از جنبه‌های اجتماعی و معنایی آن غفلت شود. نظریه منظر که این جهان دوقطبی را درهم می‌شکند و از دریچه‌ای دیگر به شهر می‌نگرد.



منظر راه، خیابان، ازبکستان، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۸



نقطه عطف، میدان سن مارکو، ونیز، ایتالیا، مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۷

مرکز شهر و کریدورهای بصری شهر از فاصله دور ارائه می‌شود. واضح است محصول چنین نگاهی به شهر و طرح آن جز نقشه‌های متعدد و رنگارنگ نخواهد بود که جداول متعددی نیز ضمیمه آن است اما باید در نظر داشت که ضمانتی برای کاربردی بودن آن‌ها نیز وجود ندارد.

مصطفی بهزادفر

او بستر دانش طراحی شهری را با معماری منظر یکی دانسته و اعلام می‌دارد که بستر آن‌ها هندسه فضا، کالبد و به عبارت دیگر، فرم کالبدی است (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۸۰). لذا رابطه بین توده و فضا، محصوریت و ساخت و سازها از مهم‌ترین عواملی هستند که وی برای کنترل کیفی محیط لازم می‌داند. به نظر می‌رسد «بهزادفر» کاملاً متأثر از یک نگاه کلاسیک طراحی شهری است و آن‌را در گروه هنرهای تجسمی قرار می‌دهد.

کوروش تلکار

«تلکار» مفهوم منظر شهری را متأثر از طراحی شهری دانسته و می‌نویسد: «قلمرو اطلاق مفهوم مذکور، مستمرا و به موازات بلوغ دانش و هنر طراحی شهری مورد پالایش و صیقل قرار گرفته است» (تلکار، ۱۳۸۵: ۴۶). وی اشاره می‌کند که مفهوم منظر شهری از لحظه تولد تا بلوغ طراحی شهری، همچون پدیده‌ای زنده و پویا شاهد دگرگونی، تکامل و الگوهای متفاوتی بوده و دارای چهار حلقه می‌باشد: «منظر شهری آرایشی- تزئینی»، «منظر شهری عملکردی- برنامه محور»، «منظر شهری ادراکی- زمینه‌گرا»، «منظر شهری پایدار- هوشمند» (همان). در این نگاه، منظر شهری دیگر موجودی واقعی نیست، بلکه مفهومی انتزاعی و مجرد است که می‌تواند مستقل از کالبد شکل گیرد.

سید امیر منصور

وی منظر شهری را عضوی از جامعه شهری می‌داند که همراه با اهالی آن در همه تجربه‌ها و حوادث خاطر‌ساز، که تاریخ و ذهنیت افراد جامعه را نقش می‌دهد، حاضر بوده است (منصور، ۱۳۸۳: ۷۶). به همین دلیل

وی جداکردن عین از ذهن را در تعریف منظر شهری ممکن نمی‌داند و به دنبال آن منظر شهری را عینیتی مستقل از انسان نمی‌داند. وی آن‌چه که مستقل از انسان است را کالبد معرفی می‌کند که علم تحلیل آن مورفولوژی است (منصور، ۱۳۸۳: ۹۵). روشن است که با چنین موجودی نمی‌توان با اقدامات کالبدی و آرایش بندنه‌های آن مواجه شد.

همایش سیمما و منظر شهری، تجارب جهانی و چشم‌انداز آینده

به منظور ایجاد زبان مشترک در رابطه با مفاهیم طراحی شهری، منظر شهری و سیمای شهری، تعاریف زیر به عنوان پایه مفاهیم فوق مورد تأکید همایش قرار گرفت:

■ طراحی شهری دانشی است که ارتقای کیفیت محیط را بر اساس ادراک و رفتار مردم، کارشناسان و مدیران ملحوظ می‌دارد.

■ منظر شهری عینیتی است که مستقل از انسان وجود دارد و توسط او ادراک می‌شود.

■ سیمما یا تصویر ذهنی، ذهنیتی است که از طریق ادراک و پردازش منظر در ذهن انسان ایجاد می‌شود (منصور، ۱۳۸۳: ۹۴).

این موضوع که تعاریف کلاسیک و خارج از شرایط زمان، در حوزه شهر، به عنوان مبنا و حتی مبدا یک دیدگاه نوین اطلاق شوند، جای تعجب و تأمل دارند.

جمع‌بندی

با قبول شهر به عنوان موجودی زنده، دیگر نمی‌شود تنها به ابعاد ظاهری آن نگریست. عاملی در شهر حضور دارد که نماد فرهنگ، تاریخ، روحیات جمعی ملت‌ها و حاصل تصمیمات مردم آن شهر است. این عامل بیانگر کیفیت شهر است، محصول اتفاقی و یا خارج از قوانین و قواعد انسان فهم، محصول عمل شاعرانه و یا توهمات نیست بلکه حاصل عمل ارادی ساکنین شهر است. نظریه‌پردازان بسیاری درصد برآمده‌اند تا ماهیت حاضر در شهر (منظر شهری) را تعریف کنند و جایگاه آن‌را در مسایل شهری مشخص سازند. اما از آن‌جا که اکثراً به بخشی مجزا از آن پرداخته‌اند - ترافیک، آلودگی بصری، نماهای شهری، فعالیت‌های اجتماعی - ابعاد مختلف این ماهیت ناگفته باقی مانده است. این نگاه ناشی از توجه به شهر به عنوان موجودی ایستا است که در هر لحظه از اراده انسان، می‌توان آن را ساخت.

واقعیتی با نام «منظر شهری» تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد مورفولوژیک خلاصه نمی‌شود، هنر تجسمی نیست که شهر را خمیرگونه آرایش نماید. منظر شهری حامل معناست، معنایی که حاصل تجربه ساکنین از شهر و برخاسته از فرهنگ شهر در طول تاریخ است. این ماهیت انتزاعی نیست، با کالبد شهر در ارتباط است و مردم آن‌را درک می‌کنند. حس تعلق به شهر برای ساکنین، در اثر گذشت تاریخ و تجربه است که ایجاد شده و تقویت می‌شود و گرنه کالبد بدون تجربه تاریخ تنها و تنها می‌تواند فرم زیبا داشته باشد.

واقعیتی با نام «منظر شهری» تنها در کالبد، تناسبات و ابعاد مورفولوژیک خلاصه نمی‌شود، هنر تجسمی نیست که شهر را خمیرگونه آرایش نماید. منظر شهری حامل معناست، معنایی که حاصل تجربه ساکنین از شهر و برخاسته از فرهنگ شهر در طول تاریخ است. این ماهیت انتزاعی نیست، با کالبد شهر در ارتباط است و مردم آن‌را درک می‌کنند.

منابع

- برک، اگوستن (۱۳۷۷) *منظر، مکان، تاریخ*. ترجمه: مریم‌السادات منصور، فصلنامه باغ نظر، سال پنجم، شماره نهم.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶) *طراحی شهری در کرمان: خیابان‌های ابن سینا و ایران منش*، فصلنامه آبادی، سال هفدهم، شماره ۵۶.
- پارک، آزا (۱۳۵۸) *مفهوم شهر ۲، مطالعات شهری و منطقی‌های، رفتار انسانی در محیط شهری*، ترجمه: گیتی اعتماد، چاپ اول، تهران: گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقی‌های.
- پاکرآباد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، *سیممای شهر؛ آن‌چه کوین لینچ از آن می‌فهمید*، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۲۶-۲۰.
- تاز، تارم (۱۳۷۶)، *شهر همچون چشم‌انداز (نگرشی فراتر از فراترگرایی به طراحی و برنامه ریزی شهری)*، ترجمه فرشاد نوربان، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
- ذکاوت، کامران (۱۳۸۵)، *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۲۸-۲۶.
- کالن، گوردن (۱۳۷۷)، *گزیده منظر شهری*، ترجمه منوچهر طیبیان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۵)، *مفهوم منظر شهری*، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۴۸-۳۸.
- لینچ، کوین (۱۳۸۷) *سیممای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- محمودی، سید امیر سعید (۱۳۸۵)، *منظر شهری: مروری بر چند نظریه*، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳، صص ۶۲-۵۴.
- منصور، سید امیر (۱۳۸۳)، *نقدهی بر بیانیه همایش سیمما و منظر شهری: تجارب جهانی و چشم‌انداز آینده*، فصلنامه باغ نظر، سال اول، شماره دوم، صص ۹۶-۹۴.
- منصور، سید امیر (۱۳۸۲)، *درآمدی بر شناخت معماری منظر*، فصلنامه باغ نظر، سال اول، شماره دوم، صص ۷۸-۶۹.
- ویستون اسپیرن، آن (۱۳۸۲)، *زبان منظر*، ترجمه سیدحسین بحرینی و بهننا امین زاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.